

نوروز

بزرگترین و کهن‌ترین و ملموس‌ترین سند علمی و کیهان‌شناسی ایرانیان

- امام صادق (ع) فرمود: «... به‌مانه کعبه سوگند که باعث آن، تعظیم (تعظیم عجمان به نوروز) امری قدیمست...»
- تقویم و مدارک نجومی ایران که ۸۰ سال پیش در چین کشف شده است، مربوط به ۳۱ قرن قبل است.
- ایرانی‌ها در چند هزار سال قبل آزادی و شادبودن و شادزیستن را به مردم جهان هدیه کردند.
- یونانی‌ها تمام دانش‌های خود را از ایرانیان فراگرفتند و برای از بین بردن مرجع این دانش‌ها به گجستگ اسکندر (اسکندر ملعون) مأموریت دادند که همه چیز را در ایران نابود کند.
- سازمان یونسکو بایستی روز نوروز را به پاس خدمتی که ایرانیان به جهانیان کرده‌اند، روز صلح و آشتی اعلام نماید و این روز به صورت یک روز تعطیل جهانی درآید.

استاد ادیان شرقی دانشگاه اکسفورد (F. C. ZAEHNER) می‌گوید: «... نوروز بزرگترین و کهن‌ترین جشن ملی ایست که هیچ‌گونه ریشه دینی ندارد و از زمان‌های باستانی فراموش شده تاکنون، زنده نگاهداشته شده است و به‌طور مختصری تحت تأثیر دین زرتشتی و اسلام قرار گرفته است...». مدارک نجومی و تقویم‌های ایرانی که هشتاد سال پیش به‌طور تصادفی در چین یافت شده است مربوط به ۳۱ قرن قبل می‌باشد. این مدارک حاکی از فرهنگ و دانشی است که می‌تواند هزاران سال پیشتر از آن ریشه‌های کهن‌تر و عمیق‌تر داشته باشد.

هرسال شمسی ایرانیان قدیم دارای ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۱۳ دقیقه و گاهی ۶ ساعت و ۱۲ دقیقه و ۹ ثانیه بوده است. کوچکترین واحد زمان را «گاہ» می‌گفتند. در آن موقع چون تصور چنین واحدی برایشان مشکل بود، اعراب (گاہ + گاہ) یعنی دوگاہ را ثانیه نامیدند و فرانسوی‌ها "SECONDE" و انگلو ساکسون‌ها "SECOND" که به معنی ثانیه و یا ۲ گاہ می‌باشد، نام‌گذاری کردند.

ماه به زبان پهلوی به شهر و کشور گفته می‌شود. دوازده ماه سال شمسی ایرانی را ابونصر فراهی مصنف «نصاب‌الصبیان»، که در زبان عربی و ترکی و رومی (یهودی) نام ماه‌ها تغییر

کرده است، در چند دو بیتی تنظیم کرده است که اطلاع از آن خالی از لطف نیست:
برج‌های ترکی:

«موش (فروردین)، بقر و پلنگ و خرگوش شمار
زین چارچسو بگذری نهنگ آید و مار
آنگاه به اسب و گوسفند است حساب
حمدونه (میمون) و مرغ و سگ و خوک آخر کار»
نام برج‌های دوازده گانه معمول در ایران قبل از سال ۱۳۰۴ شمسی:
«برج‌ها دیدم که از مشرق برآوردند سر

جمله در تسبیح و در تهلیل حی لایموت
چون حمل (فروردین)، ثور است و جوزا و سرطان و اسد
سنبله میزان و عقرب، قوس و جدی و دلو و حوت

ماه‌های رومی (یهودی)
«دو تشرین^(۱) و دوکانون و پس آنگه
حزیران و تموز و آب و ایلول
سال رومی (یهودی) از ابتدای فصل خزان یعنی مهرماه شروع می‌شود.
ماه‌های سال قمری:

«زمحرم چو گذشتی چه بود ماه صفر
دو ربیع و دو جمادی ز پس یکدیگر
رجب است از پی شعبان رمضان و شوال
باز ذی‌قعدة و ذی‌حجه چنین است خبر»
در سال ۱۳۰۴ بنا به تصویب مجلس شورای ملی نام‌های عربی ماه‌های ایرانی جای
خود را به نام‌های فارسی داد که آنرا هم فراهی چنین به‌نظم آورده است.

«ز فروردین چو بگذشتی مه اردیبهشت آید
بمان (بمانند) خرداد و تیر آنگاه مردادت همی آید
پس از شهریور و مهر و آبان و آذر و دی دان
که بر بهمن جز اسفند دارم (اسفند) ماهی نیفزاید»
ماه‌های ایرانی دارای ۳۰ روز بوده است. واژه «روز» در فارسی و «روچه» در پارسی
باستان و «رئوچنگ» به معنی فروغ جاودانیست. واژه‌های «روزگار»، «روزن»، «روشن» و
«روزی» (معرب رزق)، از واژه «روز» ساخته شده است. در گویش‌های محلی ایران
به صورت «روچ» (گویش لری) و «روژه» (گویش کردی) می‌گویند. به‌طور مثال باباطاهر
عریان می‌گوید:

«وتسه^(۲) سرد در بیابانم شوو «روچ»^(۳)
سرشک از دیده بارانم شوو «روچ»
نه تو (تب) دیرم، نه جانم می‌کره (می‌کند) درد
نمی‌دانم (نمیدانم) که نالانم شوو «روچ»

۲. برای تو

۱. (تشرین اول برابر مهرماه).

۳. شب و روز

هر روز سی روز ماه ایرانی، دارای نام بخصوصی بوده است. روز اول با نام هرمزد (آهورمزدا) شروع می‌شود و هریک از ۲۹ روز باقی به یکی از فرشتگان نگهبان که هریک وظایف بخصوصی دارند مربوط می‌شود. به‌طور خلاصه این سی روز به ترتیب چنین است. ۱- روز اول هرمزد (اهورامزدا)، ۲- بهمن (به معنی بهمنش و نیک‌اندیشی)، ۳- اردیبهشت (بهترین راستی)، ۴- شهریور (کشور برگزیده)، ۵- سمندارمذ (پاک و مقدس)، ۶- خرداد (کمال، رسائی، درستی)، ۷- امرداد (بی‌مرگ و مُرداد به معنی با مرگ است)، ۸- دی (صفت آهورمزدا به معنی آفریننده، آفریدگار). (توضیح: روزهای هشتم و نهم و دهم و بیست و سوم همراه به نام دی موسومست) ۹- آذر (به معنی آتش)، ۱۰- آبان (به معنی آب)، ۱۱- خورشید (آفتاب درخشان)، ۱۲- ماه (در گویش‌های شمالی «مانگه» و در کردی «مانگ» گفته می‌شود)، ۱۳- تیر (ستاره شعرای یمانی یا روز آهنگ یا ستاره باران یا شب آهنگ که مژده آمدن باران است)، ۱۴- گوش (گوسفند، گوسپند)، ۱۵- دی (توضیح داده شد)، ۱۶- مهر (روشنایی، دوستی، پیمان)، ۱۷- سروش (به معنی شنیدن و فرمانبرداری از اوامر خداوند)، ۱۸- رشن (به معنی عادل، دادگر)، ۱۹- فروردین (به معنی پوشاندن، نگهداری کردن، پناه بخشیدن)، ۲۰- بهرام (پاسبان عهد و پیمان)، ۲۱- رام (رامش، صلح، سازش، آسایش)، ۲۲- باد (به معنی باد)، ۲۳- دی (قبلاً توضیح داده شد)، ۲۴- دین (کیش، آیین، قانون)، ۲۵- ارد (روز نیک و خوب)، ۲۶- اشتاد (روز نامزدی)، ۲۷- آسمان، ۲۸- زامیاد (به معنی زمین و فرشته)، ۲۹- ماراسپند (کلام مقدس)، ۳۰- انیران (روشنی و فروغ بی‌پایان).

تمام روزهای ماه اول سال و هر روزی از ماه که با نام همان ماه تطبیق می‌کرد، آنروز را جشن می‌گرفتند و شادی می‌کردند.

جاحظ در کتاب التاج می‌گوید: «نیروز» (نوروز) و «مهرجان» (مهرگان) دو فصل سال هستند. «مهرجان» دخول زمستان و فصل سرماست و «نیروز» اذن دخول فصل گرماست. گفته‌اند که: «جمشید، اول جم نامداشت... سیر عالم می‌کرد. به آذربایجان رسید... فرمود تخت مرصعی برجای بلندی رو به مشرق گذاشتند... بر تخت بنشست. همین‌که آفتاب طلوع کرد... شعائی در غایت زوشنی پدید آمد و مردمان از او شاد شدند و گفتند این روزی نوروز است. در آنروز خاصگان را طلبید و رسم‌های نیکو گذاشت و گفت خدای تعالی شما را خلق کرده است. باید به آب پاکیزه تن بشوئید و غسل کنید... به سجده و شکر او مشغول شوید. در آنروز ایجاد و انشاء خلق شده و سعادت از ساعات آن روز ساعت تحویل شمس به حمل است...»

در شاهنامه نیز به همین مضمون آمده است:

جهان انجمن شد بر تخت اوی
فرو مانده از فره بخت اوی
به جمشید سرگهر افشاندند
مرآنروز را روز نو خواندند
چنین روز فرخ از آنروزگار
بمانده از آن خسروان یادگار

ابوریحان بیرونی در التفهیم دربارهٔ پیدایش نوروز گوید: «نخستین روز است از فروردین ماه، زین جهت روز نو نام کردند. زیرا پیشانی سال نو است» از تواتر اخبار و قدمت انتساب آن به اعصار کهن ایرانی، وجه تسمیه نوروز به خوبی آشکار می شود.

جاحظ که از مشاهیر عرب و از منسوبین فرقهٔ شعوبیه، یعنی طرفداران فضیلت ملل دیگر بر عرب، در کتاب خود به نام «المحاسن والاضداد»، زیر عنوان فضایل نوروز و مهرجان (مهرگان) چنین شرح می دهد:

«... نخستین کسی که نوروز را برقرار کرد و ارکان سلطنت محکم ساخت و اقدام به استخراج معادن طلا و نقره... و ... و ساختن ادوات جنگی کرد، اسبها و چارپایان وحشی را رام کرد... و ... و کی جم بن «ابرویز»، «بن ارفحشد، بن سام، بن نوح علیه السلام بود (ابرویز نگاهدارنده عالم است)... آن پادشاه در روز نوروز به سلطنت رسید و اقالیم ایرانشهر (ایران بزرگ) را آباد کرد... نوروز، روزیست که سلطنت او برقرار شد و از آن جهت روز رسمی شد. (درباره چارپایان توضیح اینکه ایرانی ها برای اولین بار اسب وحشی را رام کردند). او ۱۵۵۰ سال زندگی کرد. بعد بیوراسف (بیوراسب یا ضحاک) او را بکشت و هزار سال سلطنت کرد. تا اینکه فریدون بن اثفیان... و... پس فریدون از دنیال بیوراسف (ضحاک) رفت... او را اسیر کرد. نیمهٔ مهر (یعنی روز مهر در بالا توضیح داده شد که روز مهر روز شانزدهم همراه است) و از آن جهت آن روز مهرجان (مهرگان) گفتند. پس نوروز یادگار جم و مهرجان یادگار فریدون است...»

دربارهٔ نوروز قبل از اسلام و سایر مطالب مربوط به آن باید گفت به علت هجوم گجستک اسکندر (اسکندر ملعون و خبیث) به ایران و آتش زدن هزاران هزار کتاب و کتاب اوستا که روی ۱۲ هزار پوست گاو نوشته شده بود و قتل عام و به آتش افکندن پیرمردان و پیرزنان و کودکان و به اسیری بردن جوانان و آتش زدن و خراب کردن شهرها، همه چیز از میان رفت. باید اضافه کنم که این کار بنا به دستور ارسطو معلم اسکندر و عده ای از دانشمندان یونانی انجام گرفت. و باز بنا به دستور آن به اصطلاح دانشمندان، قبل از آتش زدن کتابخانه ها، کتاب های مرجع علمی که از ایران به یونان رفته بود و همچنین سایر کتاب های علمی جدا شد و به یونان ارسال گردید و یونانیان این علوم را غاصبانه به نام خود در تاریخ به ثبت

دادند. علیهذا مدارکی که به درستی اوضاع ایران باستان را نشان دهد، وجود ندارد و آنچه که هم باقی مانده است و یا بعدها درباره ایران نوشته شده است، مطلبی که به طور روشن درباره نوروژ نوشته شده باشد که نشان دهد فی‌المثل قبل از اسلام بخصوص در زمان هخامنشیان و اشکانیان در جشن نوروژ چه مراسمی برپا می‌شده و آداب و رسوم در آن زمان از چه قرار بوده است، در دسترس نیست. تنها مرجع در این باره، عبارت از پاره‌ای مدارک باقی مانده از یونانی‌ها و مورخین اسلام است. از این مدارک به طور قاطع مشخص می‌شود مراسم نوروژ در میان مردم و در دربار شاهان مرسوم بوده است و از مراسم معمول در میان مردم شرح کافی دیده نمی‌شود ولی در دربار پادشاهان پیشین از شرحی که ابوریحان داده است، معلوم می‌شود که در ایام نوروژ ایرانیان به همدیگر شکر می‌دادند (به عقیده بعضی‌ها شکر به وسیله جمشید در روز نوروژ یافت شده است) و این رسم در جشن مهرگان نیز مرسوم بوده است. جمشید و سایر پادشاهان تمام روزهای فروردین را جشن می‌گرفتند. روزهای فروردین به شش دوره تقسیم می‌شد. پنجروز نخستین مخصوص پادشاه، پنجروز دوم برای اشراف و سیمی برای خدم و حشم پادشاه و چهارمی برای حواشی پادشاه و پنجمی برای عام و پنجروز ششم برای رعایا و دهاتیان بود.

گفته شده است ۲۵ روز پیش از نوروژ، در دربار پادشاهان ۱۲ ستون از خشت خام برپا می‌شد و بر روی هر یک از آنها یکی از انواع حبوبات را که عبارت بود از: باقلی، عدس، ارزن، نخود، لوبیا، کنجد، ماش، جو، گندم، برنج، کاجیله یا کاجیزه (گل‌رنگ) می‌کاشتند. روز ششم فروردین هرکدام که رشد بهتری داشت، تصور می‌کردند در سال جدید آن نوع حبوب محصول بهتری خواهد داد.

سبزه سبزکردن برای نوروژ یادگار این رسم است. قبل از نوروژ خانه‌تکانی می‌کردند و مراسم متنوع دیگری را انجام می‌دادند. در مراسم نوروژ مردم به یکدیگر هدیه می‌دادند. همچنین در حدود وسیع خود به پادشاه تحفه می‌دادند و پادشاه هم به فراخور حال هر یک به آنها تحفه‌ها می‌بخشید و مهربانی‌ها می‌کرد. در روز نوروژ برای شگون شیر تازه و نان تازه و پنیر می‌خورند و همه پادشاهان ایران نیز به آن تبرک می‌جستند.

ایرانیان غیر از نوروژ در طول سال جشن‌های بسیاری مانند جشن‌های شهریورگان (روز چهارم شهریور)، مهرگان، آذرخس (روز نهم آذر) بهمنجنه (روز دوم بهمن) و جشن سده (روز دهم بهمن) و غیره برگزار می‌کردند. قبلاً اشاره شد هرروزی که در ماه با خود ماه، هم نام می‌شد، روز جشن محسوب می‌گردید. در تمام این جشن‌ها مراسم آتش افروزی و

شب نشینی و غیره انجام می شد. در جشن آبریزگان، مردم بر روی هم آب می پاشیدند که یادآور پاکیزگی و پاکیزه نگاهداشتن تن بود.

محمد بن شاه مرتضی معروف به ملامحسن فیض، در یکی از رساله های خود، درباره روایت معلی بن خنیس از امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد: «چنین روایت کرد معلی بن خنیس که در روز نوروز نزد منبع حقایق و دقایق، امام جعفر صادق علیه السلام رفتم. فرمود آیا می دانی امروز چه روز است؟ گفتم فدای تو شوم روزیست که عجمان تعظیم آن می نمایند و هدیه به یکدیگر می فرستند. فرمود به خانه کعبه سوگند که باعث آن تعظیم امری قدیم است. بیان می کنم آنرا برای تو تا بفهمی. پس فرمود ای معلی، نوروز روزیست که خدایتعالی عهدنامه از ارواح بندگان خود گرفته که او را بندگی نمایند و دیگری را با او شریک نسازند و ایمان بیاورند به فرستاده ها و حجت های او و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین... و... و روزیست که جبرئیل علیه السلام به حضرت رسالت صلی الله علیه و آله نازل شد به وحی و روزیست که آن حضرت بت های کعبه را شکست... و... و روزیست که امر فرمود یاران خود را با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت امارت نمایند... و روزیست که حضرت صاحب الامر علیه السلام ظاهر می شود... هیچ نوروزی نیست که ما توقع خلاصی از غم نداشته باشیم، که این روز به ما و شیعیان ما نسبت دارد. عجمان آنرا حفظ کرده اند و شما ضایع کرده اید...»

در اینجا فرصت آن نیست که تمام مطالب این رساله که بسیار اهمیت دارد، نقل شود. فقط از نظر اطلاع توضیح می دهیم که امام صادق علیه السلام درباره نام هریک از روزهای ماه ایرانیان مطالبی فرموده اند که با مختصر تفاوتی همانست که قبلاً ذکر شد.

با روی کار آمدن طاهریان و صفاریان و برمکی ها در دربار خلفای عباسی و وزرای ایرانی دیگر، برگزاری مراسم عید «نوروز»، «مهرگان»، «سده» بیش از پیش رونق گرفت. شعرای ایرانی قصاید بسیاری به عربی و فارسی در منقبت ائمه معصومین در سروده های بهاری و نوروزی ساختند که جمع آوری و توضیح این قصاید، خود موضوع مقاله ها و رساله های جداگانه است.

گفتیم ایرانیان در ۲۵۰۰ پیش از این به دنیایی که از کشتارها و قتل عام ها و امحای تمدن ها تاریکی آنرا فرا گرفته بود، آزادی و شادی را هدیه کردند. جشن های ایرانیان نمونه ای از این روحیه است. تقریباً تمام کتیبه های باقی مانده از ۲۵۰۰ سال پیش با این جمله شروع می شوند: «آهورمزدا آنکه زمین را آفرید، آنکه مردم را آفرید، آنکه شادی را

برای مردم آفرید.»

یکی از شعارهای ایرانیان این جمله بوده است: «دُرست زی‌اید (زندگی کنید) شاد زی‌اید، دراز زی‌اید (زندگی طولانی کنید)».

آثار جشن‌ها و مراسم ایرانیان را با دقت کمی هنوز هم می‌توان در میان مردم دنیا، از جمله غربی‌ها مشاهده کرد. هزاران سال پیش از این، سال اغلب ملت‌ها، همین سال ایرانی بوده است و کم و بیش جشن‌های ایرانی و مراسم آنرا برگزار می‌کرده‌اند، پس از ظهور دین مسیح، به تدریج سال ایرانی جای خود را به سال مسیحی داد. معهذاً جای پای سال ایرانی در سال مسیحی باقی ماند. به‌طور مثال هنوز ترتیب ماه‌های سال مسیحی همان ترتیب ماه‌های ایرانیست و مانند ماه سپتامبر که ماه نهم مسیحی است ولی «سپتامبر» به معنی «هفت» است که با ماه هفتم ایرانی ماه مهر مطابقت دارد. چنین است اکتبر که به معنی هشتم است ولی ماه دهم مسیحی است و یا نوامبر به معنی نهم که ماه یازدهم مسیحی که با ماه نهم ایرانی یعنی ماه آذر تطبیق می‌کند و یا دسامبر ماه ۱۲ مسیحی که ماه دهم ایرانی یعنی با دی ماه مطابقت می‌کند.

با اعمال نفوذ کشیش‌ها سال مسیحی به‌اول ژانویه چند روز قبل از تولد مسیح (۲۴ دسامبر) منتقل شد و جشن‌های نوروزی را «در روز تولد مسیح برگزار نمودند». هریک از جشن‌های تابستانی و پاییزی و زمستانی ایرانیان را به‌روز تولد یکی از قدیسن، مانند «پاک» (عید) و یوحنا و سن میشل و غیره تخصیص دادند. ولی در تمام این اعیاد مراسم آتش‌افروزی و آتش‌بازی و پایکوبی و هدیه‌دادن و غیره را فراموش نکردند. «عمونوروز» و «حاجی‌فیروز» جای خود را به «بابانوئل» داد. مراسم خانه‌تکانی ایرانیان را قبل از ۲۱ مارس (نوروز) انجام می‌دهند و نام آن SPRING CLEANING که خانه‌تکانی بهاره است، می‌باشد.

غربی‌ها کوشیده‌اند آنچه را شرقی بخصوص ایرانیان از نظر علوم گوناگون داشته‌اند با کمال وقاحت مدعی شوند که از آن آنهاست. قبلاً اشاره شد یونانی‌ها شاید از سه‌هزار سال پیش به تدریج دانش‌های مختلف را از ایرانیان فراگرفتند. پس از حمله گجستک سکندر (اسکندر خبیث) به ایران، دانشمندان یونانی و ارسطو معلم اسکندر به‌او دستور دادند که تمام مردم را قتل‌عام کند و همه شهرها را خراب و همه کتاب‌ها را آتش بزند و زد. کتاب‌هایی که مرجع دانش‌های یونانی بود، جمع‌آوری کرده و به یونان فرستاد. از مردم ایران فقط عده‌ای از روستاییان جان بدر بردند.

با کمی دقت در تاریخ علوم می‌بینیم که یونانیان جز آنچه که از ایرانیان به‌یغما برده

بودند، در قرن‌های بعد کاری از نظر علمی نتوانستند بکنند. در قرون وسطی هم با ظهور انگلیزیسیون یعنی استبداد و تسلط مطلق پاپ‌ها و کشیش‌های قشری، علم غربی‌ها منحصر به کتاب‌های مقدس انجیل و تورات شد. ولی پس از ظهور اسلام، در ایران دانشمندانی مانند ابوریحان، رازی، ابن سینا و هزاران دانشمند نامی دیگر، قدم به عرصه وجود گذاشتند. حتی دانش‌های یونانی قدیم را که عملاً به ایرانیان تعلق داشت، به دنیا معرفی کردند، به طور مثال قبل از ابن سینا، غربی‌ها ارسطو را نمی‌شناختند با ترجمه آثار ابن سینا غربی‌ها ارسطو را شناختند. این بار دوران اسکندر خبیث به نحو دیگری آغاز شد. جنگ صلیبی و مستعمراتی را راه انداختند. تاریخ تکرار شد و به جای یک اسکندر، اسکندره‌های خبیث دیگری پیدا شدند. در هر جا که توانستند کشت و کشتار به راه انداختند. هر چه به دستشان رسید از جمله آثار علمی دانشمندان ایرانی را به غنیمت بردند. بعد از مدتی اروپاییان مدعی شدند که آن‌ها علم نجوم، فیزیک، شیمی، ریاضیات و غیره و غیره را کشف کرده‌اند. معلوم نیست قبل از آن این مدعیان دروغی در کجا بودند.

تقریباً هیچ چیزی در جهان نمی‌توان یافت، مگر اینکه اثری از تمدن و فرهنگ و دانش ایرانی را در آن مشاهده کنید. به طوریکه گفته شد یکی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین و ملموس‌ترین سند فرهنگ و دانش ایرانیان روز نوروژ است، چه از نظر علمی و چه از نظر مردمی. ایرانی‌ها آزاد بودن و آزدیستن و شادزیستن را به جهانیان هدیه دادند. جا دارد مقامات رسمی از طریق سازمان یونسکو اقدام نمایند به پاس خدماتی که ایرانیان برای مردم جهان انجام داده‌اند، روز نوروژ را که ریشه بسیار کهن دارد، به عنوان «روز صلح و آشتی» به صورت یک روز تعطیل جهانی اعلام کند.

مدارک مرجوعه: گاه‌شماری در ایران قدیم - جشن سده نشریه ۲ انجمن ایران‌شناسی - مجله ایران‌شهر دوره ۲۳ و ۱۹۲۲ سال ۴۱ و ۱۳۴۰ قمری (چاپ برلن) - مجموعه ایران‌شناسی شماره ۱ روزشماری در ایران باستان - ایران کورده شماره ۶۱ ماه فروردین روز خرداد (صادق کیا) - دوره دهم سال ۱۳۴۳ و دوره یازدهم سال ۱۳۴۴ مجله مهر - نشریه آن‌هیتا (۱۳۳۴) - پیام زرتشت (علی اکبر جعفری) - لغت‌نامه دهخدا - فرهنگ معین و فرهنگ‌های دیگر - آنسیکلوپدی آمریکا - کتاب THE DAWN AND TWILIGHT OF ZORASTRIANISM - مدارک متفرقه دیگر